

Comparative Study of Verses Related to Christianity and Judaism in the Quran

Soheila Payan¹, Fatemeh Mohammadi^{2*}

1. Assistant Professor, Department of General Studies, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Hidge Branch, Islamic Azad University, Hidge, Iran (Corresponding Author).

* Corresponding Author Email Address: fattemehmohammadi2016@gmail.com

Article Info

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Payan S, Mohammadi F. (2024). Comparative Study of Verses Related to Christianity and Judaism in the Quran. *Quranic Insight and Islamic Mysticism*, 4(1), 29-39
<https://doi.org/10.61838/imqv.4.1.8>



© 2023 the authors. Published by Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

ABSTRACT

This article examines and presents a model of those verses of the Holy Quran that refer to Judaism and Christianity. Based on the frequency, all the Quranic verses related to Christianity and Judaism were extracted from the Quran and examined in order to determine by comparing them whether the verses of the Quran are more related to Christianity or Judaism? Accordingly, the purpose of writing this article is to determine whether the verses of the Holy Quran emphasize Christianity or Judaism more. In order to investigate this goal, the library and descriptive-analytical research methods were used.

The findings obtained in this study show that the Quran has approved the principle of Jewish theology in various verses, and it seems that the influential figures of the Jewish people enjoy greater greatness in the Quran. But the Quran contains a lot of criticism of the Jewish people, their past beliefs and practices, and the treatment of the Prophet (PBUH) and Muslims with the Jews of the Arabian Peninsula. It is most likely that the contemporary Jews who lived in Medina during the time of the Prophet and their behavior towards the Prophet (PBUH) were effective in portraying the face of Judaism in the verses of the Quran. Many verses have been revealed in the Holy Quran, and on the other hand, the tone of the Quran towards Christianity is very calm and refers to issues that have always been of concern to Christianity. However, the Quran does not address the life of the Prophet Jesus (PBUH). The main question of this article is why the Holy Quran addresses Christianity less than Judaism and can this be a reflection of the social situation of the society?

Keywords: *verses of the Holy Quran, Judaism, Christianity, Islam.*

بررسی تطبیقی آیات مرتبط با مسیحیت و یهودیت در قرآن

سهیلا پایان^۱، فاطمه محمدی^{۲*}

۱. استادیار، گروه درس عمومی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران.

۲. استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد هیدج، دانشگاه آزاد اسلامی، هیدج، ایران (نویسنده مسئول).

* ایمیل نویسنده مسئول: fattemehmohammadi2016@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله

پژوهشی/اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

پایان س، محمدی ف. (۱۴۰۳) بررسی تطبیقی آیات مرتبط با مسیحیت و یهودیت در قرآن پیش قرآنی و عرفان اسلامی، ۴(۱)، ۲۹-۳۹.



© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

در این مقاله به بررسی و ارائه الگو از آن دسته از آیات قرآن کریم پرداخته می‌شود که به یهودیت و مسیحیت اشاره دارند. براساس فراوانی، هر آن چه آیات قرآنی مرتبط با مسیحیت و یهودیت بود، از قرآن استخراج شد و مورد بررسی قرار گرفتند تا با مقایسه آنها، مشخص شود که آیات قرآن بیشتر مرتبط با مسیحیت است یا با یهودیت؟ براین اساس، هدف از نگارش این مقاله این است که تعیین کند آیات قرآن کریم بیشتر بر مسیحیت تاکید دارد یا بر یهودیت. به منظور بررسی این هدف، از روش پژوهش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی استفاده شد.

یافته‌های به دست آمده در این پژوهش، نشان می‌دهند که قرآن اصل خدانشناسی یهودی را در آیات مختلف مورد تأیید قرار داده است، و به نظر می‌رسد شخصیت‌های مؤثر قوم یهود، در قرآن از عظمت بیشتری برخوردار هستند. اما قرآن، نقد بسیاری بر قوم یهود، اعتقادات و اعمال گذشته‌شان و برخورد پیامبر^(ص) و مسلمانان با یهود جزیره‌العرب دارد. به احتمال زیاد یهودیان معاصر که در زمان پیامبر در مدینه سکونت داشتند و نیز رفتارهایی که با پیامبر^(ص) داشتند در ترسیم چهره یهودیت در آیات قرآن مؤثر بوده است. آیات بسیار زیادی در قرآن کریم نازل شده است و از طرف دیگر لحن قرآن نسبت به مسیحیت، لحنی بسیار آرام و به مسائلی اشاره دارد که همواره مورد توجه مسیحیت بوده است. با این وجود قرآن به زندگانی حضرت مسیح^(ع) نپرداخته است. پرسش اصلی این مقاله این است که؛ چرا قرآن کریم به مسیحیت کمتر از یهودیت پرداخته است و آیا این می‌تواند بازتاب وضعیت اجتماعی جامعه باشد؟

واژگان کلیدی: آیات قرآن کریم، یهودیت، مسیحیت، اسلام.

مقدمه

شبهات‌ها و تمایزهای میان دیدگاه‌های دانشمندان و متخصصان حوزه‌های گوناگون علوم بر سر مفاهیمی به ظاهر مشترک، موجبات نزدیکی یا جدایی آن‌ها را از یکدیگر در حوزه‌های کار و تحقیق به همراه دارد. یکی از این مفاهیم چگونگی ارتباط دو فرهنگ متفاوت با یکدیگر است؛ چراکه فرهنگ و ارتباطات هر دو فراگیرند و ضرورتی انسانی به‌شمار می‌روند، یعنی هر دو به نوعی پویا هستند و هیچ جامعه انسانی را بدون این دو پدیده نمی‌توان تصور کرد. بنابراین، آنچه در واقعیت بیرونی و در زندگی اجتماعی انسان مشاهده می‌شود، به‌صورتی به هم پیوسته و درهم تنیده بوده که هدف از آن، دستیابی به اقدام هماهنگ بین پیام‌دهنده و گیرنده پیام است (ارزانی و اهتمام، ۱۳۹۴).

قرآن کریم و اسلام، یهودیان و مسیحیان را به‌عنوان فرزندان ابراهیم در نظر گرفته و آنها را «اهل کتاب» توصیف کرده، چرا که تمام ادیان توحیدی از نسل ابراهیم هستند. بدون شک، آموزه‌های دینی و اعتقادی ادیان توحیدی، در کتاب مقدس ایشان منعکس شده است. به عبارت دیگر، هر دینی دارای یک نظام عقیدتی است که این نظام عقیدتی باید با آموزه‌های کتاب مقدس آن دین هماهنگ و هم‌سو باشد. در هر یک از ادیان توحیدی مانند: دین اسلام، مسیحیت، یهودیت و...، متون الهیاتی وجود دارد که پیروان ادیان آن را ضامن هدایت و سعادت دنیوی و اخروی خود و بشر می‌دانند. قرآن کریم، یکی از این کتب و مهم‌ترین آنهاست. چنان‌که، یهودیت و مسیحیت قرآن کریم بارها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

آیات بسیار زیادی (سوره مائده/۲۶-۲۱؛ بقره/۵۵؛ اسراء/۱۵؛ اعراف/۱۵۷؛ توبه/۳۰ و...) درباره یهودیت در قرآن کریم ذکر شده است که به دلیل نقل مکرر داستان بنی‌اسرائیل در آن است. اما آیتی هم درباره مسیحیت (سوره مائده/۱۱۹-۱۱۶؛ زخرف/۸۶؛ نساء/۱۵۹؛ مائده/۷۳ و...) در قرآن ذکر شده است، اما به طبع کمتر از یهودیت، به آنها اشاره شده و این شناخت از قرآن کریم به‌دست آمده است. بدیهی است قرآن کریم، منبع اصلی در اسلام برای شناخت دقیق جامعه اسلامی قلمداد می‌شود.

پیشینه تحقیق

رضایو، عبدالرحیم. (۱۳۸۱)، در مقاله «یهود از نگاه قرآن»، به دشمنی دیرینه دشمنان اسلام اشاره می‌کند و می‌گوید: از زمانی که اسلام با بعثت پیامبر خدا (ص) طلوع کرد و پرچم حق را برافراشت و پرچم باطل ستیزی را به دست گرفت، قایلیان و نمرودیان قد علم کردند و بنای خشکاندن حقیقت را پی‌ریزی کردند. سپس با استفاده از قرآن و بعضی از تفاسیر به تاریخچه قوم یهود پرداخته و می‌گوید: بنی‌اسرائیل به خاطر این که نسب ایشان به اسرائیل پیغمبر «یعقوب» می‌رسد بنی‌اسرائیل خوانده شدند و فراز و نشیب‌هایی از زندگی این قوم و مواردی از ذلت آنها را بیان می‌کند. خداوند این گروه مظلوم و ستم‌دیده را توسط حضرت موسی (ع) از چنگال گروه ظالم و ستمگر فرعون نجات داد. اما آنها این نعمت‌بزرگ را شکرگذاری نکردند بلکه راه کفر، لجاجت و عناد را در پیش گرفتند و باز گرفتار خشم الهی شدند.

مرادی، محید و ایوب، محمد. (۱۳۸۱)، در مقاله «ادیان الهی از منظر قرآن»، اذعان داشتند: می‌توان گفت مسلمانان از اندیشه و یا روحانیت مسیحی، این ایده و تصور رایج پیش از اسلام را که حیات انسانی و هستی، نفس رحمان (خدا) است، برگرفته بودند. در همین سیاق می‌توان این آیه از قرآن را تفسیر کرد: «زمانی که خدا انسان را آفرید از روح خویش در او دمید» و همین دم الهی است که انسان را از دیگر مخلوقات تمایز بخشیده است. اسلام از آغاز، با یهود شبه جزیره عربستان نیز تعامل داشته است، اما تعامل اسلام - یهودیت، تعامل در قالب روابط تشریحی، سیاسی و اقتصادی بوده است. از این‌رو باید انتقادات قرآن از جامعه یهودی مدینه را به‌عنوان بازتاب این حقیقت تاریخی بفهمیم.

گلایری، علی. (۱۳۸۸)، در مقاله «نگاهی به رابطه احکام اسلام با ادیان دیگر»، بحث از حق بودن همه ادیان و مجزی بودن عمل به هر دینی، نشان از عدم فهم درست رابطه ادیان آسمانی با یکدیگر دارد؛ یعنی این که دین جدید از دین قبلی کامل‌تر بوده و از این نظر باید مورد عمل قرار گیرد. به همین جهت، دین اسلام به‌عنوان آخرین دین آسمانی باید مورد عمل واقع شود و دستورات این دین مقدس به‌عنوان احکام الهی بر بشر تلقی گردد.

واعظ، بتول، کاردل ایلواری، رقیه. (۱۳۹۱)، در مقاله «تبیین تطبیقی مبانی نظری، شرعی و اخلاقی اسلام، یهودیت و مسیحیت» این مقاله بر آن بوده است تا برای شناخت دقیق و حقیقی دین اسلام از منظر قرآن، ارکان آن را که عبارت از اصول اعتقادات (توحید، نبوت و معاد)، اخلاق و اخلاقیات و قوانین و مقررات است، با ارکان دو دین الهی یهودیت و مسیحیت به‌صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار دهد.

اندیشه، هاشم. (۱۳۹۳)، در مقاله «وحی در اسلام و مسیحیت و یهودیت» نگاهی هر چند کوتاه به بحث وحی و مطالب مربوط به آن می‌کند و شامل مباحث زیر است: وحی در لغت؛ وحی در اصطلاح؛ وحی از دید اسلام؛ جبرئیل؛ وحی حقیقی؛ علایم حدوث وحی بر پیامبر؛ وحی از دیدگاه مسیحیت؛ وحی در انجیل؛ نزول روح‌القدس؛ جبرئیل در انجیل؛ عیسی (ع) کلام خدا را می‌شنید و به مردم تعلیم می‌داد؛ وحی در عهد عتیق، یهودیت.

ارزانی، حبیب و اهتمام، حامد. (۱۳۹۴)، در مقاله «الگوی ارتباطات میان فرهنگی مسلمانان با مسیحیان در قرآن کریم»، گفتند: در ارتباطات میان فرهنگی که به‌عنوان فرایند مبادله اندیشه‌ها، معانی و کالاهای فرهنگی میان مردمانی از فرهنگ‌های مختلف، تعریف شده است، توسل به الگویی که بتواند زندگی اجتماعی انسان‌ها را برای رسیدن به مفاهیم مشترک و زندگی مسالمت‌آمیز همراه با احترام متقابل هموار سازد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس، در پژوهش

حاضر تلاش گردید با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل آیاتی از قرآن کریم پرداخته شود که ناظر به ارتباط با مسیحیان بوده و روند تعامل با آنها را بیان می‌کند. یافته‌ها و نتایج تحقیق بیان‌کننده آن است که می‌توان الگویی هفت مرحله‌ای شامل تأیید برخی از مبانی اعتقادی مسیحیان، دعوت به وحدت، بشارت به مسیحیان حقیقی، هشدار و تهدید، دعوت به تفکر، بیان ویژگی‌های مسیحیان کافر و وعده عذاب و در نهایت دستور به مباحله و جنگ با آنها را از قرآن کریم استخراج نمود. بنیان و محور اصلی در این الگو یگانگی خداوند است. از این‌رو، براساس قرآن کریم هر زمان که مسیحیان به این اصل نزدیک شوند با بشارت و احترام و هر جا که از آن دور شوند هشدار، تهدید، نفرین و مباحله را مبنای ارتباط مسلمانان با آنها قرار داده است.

روش تحقیق

در این تحقیق روش پژوهش به صورت مقایسه‌ای و توصیفی - تحلیلی است. جهت گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) و تکنیک فیش‌برداری از کتب، مجلات و سایت‌های تخصصی اینترنتی استفاده شده است. در نهایت، اطلاعات مورد نیاز گردآوری و تحلیل شده است.

واژه‌شناسی

مسیحیت

قبل از هر چیز باید به معنای واژه مسیح پردازیم. «عیسی اسم عبرانی یا سریانی است که در ناحیه بیت‌المقدس بوده است». (طریحی، ۱۳۸۸: ۴) لفظ عیسی اصل آن «یسوع» است، به معنی نجات‌دهنده و شاید عیسی تحریف عیسوی باشد. آن به معنی نجات‌دهنده و مقصود مسیح است که لقب حضرت عیسی (ع) است. «لفظ عیسی به مسیح ملقب گشته، زیرا که از برای خدمت به خدا معین گشته، ولی چون قرآن مجید این لقب را قبول کرد، مفهوم خدا در آن ملحوظ نیست». (قرشی، ۱۳۸۲: ۵)

یهودیت

کلمه یهود در انگلیسی از ریشه یونانی «loudaios» و ریشه لاتینی «Judaeus» از کلمه عبری «Yehudi» گرفته شده است. یهود اصلاً به اعضای قبیله جودا یا یهودا اطلاق می‌شده است که نام یهودا فرزند ارشد حضرت یعقوب است. «نام یهودا و یهود خصوصاً از زمان تدوین کتاب مقدس تورات به تمام افراد اسباط دوازده گانه اطلاق شد». (برتراند، ۱۳۷۳: ۳۵) یهودیت در طول زمان‌های مختلف نام‌ها و اسامی متفاوتی را تجربه کرده‌اند و معروف‌ترین آن‌ها عبرانی، بنی‌اسرائیل و یهودی است.

با بررسی نوشته‌های عهد عتیق، در می‌یابیم که از زمان پیروان انبیای پس از ابراهیم (ع) سه تعبیر در سه مرحله درباره این قوم به کار برده شده است:

- ۱) «مرحله اول، با عنوان عبرانیان است که از زمان ابراهیم (ع) آغاز و به زمان یعقوب ختم می‌شود؛
- ۲) مرحله دوم، با عنوان بنی‌اسرائیل است که از خاندان یعقوب آغاز و تا حمله پادشاه بابل به اورشلیم و نابودی آن ادامه می‌یابد؛
- ۳) مرحله سوم، با عنوان یهودیان است که از تبعید بابلی آغاز شده و تاکنون ادامه دارد». (خلیفه محمد، ۱۹۹۸: ۱۸۹ به نقل از شاکر، ۱۳۹۱)

آیین یهودیت

«اخلاق یهودی هم‌زمان با پیدایش کتاب مقدس عبری شکل گرفته است. دستورات و احکام شریعت آیین یهود، داستان‌های حکمی و تعالیم پیامبران سرچشمه‌های اصلی اخلاق یهود در کتاب مقدس هستند. البته اخلاق یهود تنها منحصر به آموزه‌های کتاب مقدس نیست، بلکه ابعاد دیگری نیز دارد و شامل اخلاق حاخامی، قرون وسطایی و معاصر می‌شود». (پرچم و حبیب‌الهی، ۱۳۹۲: ۶۶)

براین اساس، یهودیت، آیینی مبتنی بر یکتاپرستی است که موسی رسول الله، بنیان‌گذار آن است. در حالی که حضرت موسی (ع) همانند پیامبران دیگر نظیر عیسی (ع) و محمد (ص) یک پیامبر الهی و مأمور ابلاغ پیام یکتاپرستی به تمامی افراد بشر است، در منابع تاریخی و متون دینی یهود، از ابتدای خروج (از مصر) تا امروز، پیوستگی انفکاک‌ناپذیری میان قومیت و دین یهود وجود دارد و پیروان یهود با نام قوم یهود یا بنی‌اسرائیل خوانده می‌شوند.

قومیت‌گرایی، پیام تلویحی برتری طلبی و تفاخر را در میان قوم القا می‌کند و نمی‌تواند مروج ارزش اصیلی باشد. «کاستل» در تبیین این پدیده معتقد است که انبیای بنی‌اسرائیل نمودار آرمان وحدت و خلوص حیات قومی هستند. «راسل»، «یهود را تنها قومی می‌داند که به واسطه غرور ملی شدیدشان از دیگران جدا بودند و حتی وقتی به تصرف قوم دیگری درآمدند در همه حال به برتری خود اعتقاد داشتند». (حکمت، ۱۳۴۴: ۵۶)

¹ Judah

² Hebrew Bible

این که در موقعیتی خاص، اعتقادات با مرزهای جغرافیایی یا ملیت، منطبق - نه مترادف - گردد قابل تصور است؛ اما اینکه همواره قومیت با شریعت الهی منطبق باشد توجیه دینی ندارد؛ زیرا شریعت به انسان مستقل و جدای از قوم مربوط می شود. «در حالی که یهود بر این انطباق اصرار می ورزد و تلاش دارد تا از آلودگی قومی خود اجتناب کند و گرایش «فرمیسیم» که جدا شدن یهود از ملل دیگر را ضروری نمی داند، به شدت سرکوب می شود». (محقق، ۱۳۶۰: ۱۵) در زیر، نمونه‌هایی از عهد عتیق در خصوص این آیین ذکر می شود:

«سنت‌های مرا نگه دارید، و مکان مقدس مرا محترم شمارید. من یهوه هستم. به اصحاب اجنه توجه نکنید و از جادوگران پشش ننمایید تا خود را به ایشان نجس سازید. من یهوه خدای شما هستم. در پیش ریش سفید برخیز، و روی مرد پیر را محترم دار، و از خدای خود بترس...». (لاویان، ۱۹: ۳۵-۳۰) از سوی دیگر؛ همان گونه که بیان شد، دین یهود، دینی خدامحور است و اساس بایدها و نبایدهای آن اراده فرامین خداوند است. با این حال در چنین دینی به پاداش و جزای انسان‌ها براساس عملکردشان نیز توجه شده است. از نگاه این کتاب برای کمترین کار جزا و یا پاداشی وجود دارد. در این آیین، فرض این که خدا عادل است، و یا باید عادل باشد، و در خواست پاداش از او مبنای پیام‌هایی است که مزامیر و پاره‌ای دیگر از رسایل انبیا بر آن استوارند. (گرین، ۲۰۰۵) پس به خوبی مشخص است که با عنایت به موارد گفته شده بالا، عهد عتیق یا همان تورات، دستورات و احکام شریعت آیین یهود، داستان‌های حکمی و تعالیم پیامبران سرچشمه‌های اصلی را تشریح کرده است.

رفتار یهودیان با پیامبر (ص) و تاثیر آن بر ترسیم یهودیت در آیات قرآن

این قسمت بدان جهت از اهمیت وافری برخوردار است چون نوع رفتار یهودیان با پیامبر(ص)، تاثیر زیادی در ترسیم یهودیت در آیات قرآن کریم داشته است. یهودیت یکی از جریان‌های اصلی اعتقادی مدینه به حساب می آمدند که به واسطه فراوانی ثروت در منطقه از چیرگی و نفوذ فوق العاده‌ای بهره‌مند بودند. دیرزمانی از پرتو پرفروغ اسلام بر مدینه نگذشته بود که یهود آفتاب عمر عزت خویش را رو به افول دید. بر این اساس علم مخالفت و مبارزه با مسلمانان را برافراشت و عزم خویش را برای نابودی آئین نوپای اسلام جزم نمود. (زمانی محبوب، ۱۳۸۵)

قوم یهود، معامله زبان‌آوری انجام داده‌اند؛ همین که دیدند پیامبر آخرالزمان از میان یهود مبعوث نشد، به او کفر ورزیدند و گفته‌های قبلی خود را انکار نمودند و برای نابودی اسلام برنامه‌ریزی و سازماندهی وسیعی انجام دادند و از همه نیروها و امکانات خود و سایر قبایل عرب بهره گرفتند، اما تمام تلاش‌ها و فعالیت‌های آنها در مسیر مبارزه با پیامبر(ص)، اسلام و مسلمانان به شکست انجامید و حاصلی جز ننگ و ذلت برای آنها در پی نداشت. پیامبر با هوشیاری و اعمال سیاست‌های مدبرانه در قبال توطئه‌ها و دسیسه‌های یهودیان توانست مشکل این قوم را، به عنوان مخالفان اعتقادی و سیاسی مسلمانان، به بهترین نحو حل نماید و جامعه اسلامی را از شر فتنه‌انگیزی این قوم فتنه‌گر مصون دارد.

یهودیان سعی کردند تا میان مردم مدینه اختلاف اندازند و با یادآوری جنگ‌های دوره جاهلیت آنها را متفرق سازند و کاملاً روشن بود که با وجود اعتماد و برادری در بین مسلمین، یهودیان کاری از پیش نمی بردند. اما با وجود نفاق و اختلاف در بین آنان، استقرار یهود در منطقه حساس مدینه آسان تر می شد بنابراین پیامبر با عقد قرارداد عدم تجاوز آنها به مسلمین و قطع ارتباط با قریش سعی در کنترل جبهه یهود داشتند تا به خطری عمده در آینده نزدیک، برای نهضت اسلامی تبدیل نکند.

با عنایت الهی و مدیریت پیامبر(ص) و ایثار و فداکاری مسلمانان، یهودیان در اکثر جنگ‌ها مغلوب شدند و پس از فتح خیبر، جبهه یهود دچار فروپاشی قطعی شد. اما فتنه‌های آنان هم چنان ادامه یافت و به سبب روحیه قوم‌گرایی و نژادپرستی، نتوانستند در برابر گسترش اسلام آرام بمانند و به بهانه‌های مختلف پیمان را نقض کردند. بعد از پیامبر اکرم نیز یهودیان تمام همت خود را به کار بستند تا با همکاری خلفای منافق و غاصب، ائمه معصومین (ع) را از رسیدن به حق خویش محروم سازند و در آخر هم با به شهادت رساندن آنها از خدا و رسولش انقام بگیرند!

یهودیت در قرآن

خدای تعالی خطاب به نوادگان یعقوب (ع) می فرماید: «یا بنی اسرائیل... اَتَىٰ فَضَلْتُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ» (بقره/۴۷)؛ ای بنی اسرائیل... شما را بر جهانیان برتری دادم. خطاب این آیه قطعاً شامل یهودیان دوران پیامبر اسلام(ص) و پس از آن نیست، بلکه شامل پیروان پیامبرانی؛ مانند موسی و عیسی(ع) است که در زمان خودشان، مکلف به پیروی از این رسولان الهی بودند. هم چنین مراد از برتری بر جهانیان، برتری بر همه انسان‌ها در تمام ادوار تاریخ نیست، بلکه مراد برتری یهودیان مومن در زمانی که دین یهود در آن زمان حجت بود، بر دیگر انسان‌های همان برهه از تاریخ است.

قرآن مجید یهودیت را در کنار مؤمنان و حتی در صدر لیست اقوامی قرار داده است که به خدا ایمان دارند و بیشتر از هر قوم و دین دیگری در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته‌اند. (سلیمانی، ۱۳۸۷) «شخصیت‌های مهم، حوادث تاریخی، قوم اسرائیل، عقاید و اعمال یهودیت و نیز متون مقدس یهودی مکرر در قرآن مطرح شده، مورد داوری قرار گرفته و تایید و تصدیق شده یا این که مورد نقد قرار گرفته‌اند». (همان: ۴۲) هم چنین قرآن کریم با اشاره به این وجه

¹ <https://www.porseman.com/article/>

اشتراک، یعنی یگانه‌پرستی و پرهیز از شرک، از پیروان این دو دین خواسته است تا بر مبنای این کلمه مشترک، به هم‌گرایی روی آورند. در قرآن نوری که موسی(ع) از جیب خود بیرون می‌آورد، یکی از اعجازهای نبوت است (بقره: ۶۴) لوح (ده فرمان) در قرآن یک بار به موسی (ع) اعطا می‌شود (سفر خروج، باب ۳۴: ۳۵-۳۱)

یهود در طول تاریخ در مقابل دشمن مقاومت نمی‌کند و به زودی تابع می‌شود. تاریخ یهود مبین قرن‌ها تابعیت رسمی و غیررسمی است: از بابل تا پایان قرون وسطی. قرآن نیز به عدم تمایل در جنگ با دشمن (حشر/۱۳-۴) و «هراس عمیق ایشان از جنگ و میل ایشان به گریز اشاره کرده است» (راوندی، ۱۳۵۴: ۳۹۹). چنین انعطافی، چهره یهود را در طول تاریخ چهره‌ای منفعل ساخته است.

آیین مسیحیت

«شالوده مسیحی به قرن یکم میلادی و یهودیت برمی‌گردد» (رابینسون، ۲۰۱۱: ۲۲۹) که توسط عیسی ناصری (مسیح) پایه‌گذاری شد. مسیحیت اولیه به سه دوران عیسی و رسالت؛ پدران اولیه کلیسا و دفاعیات تقسیم می‌شود. این سه دوره را بازه زمانی ۴۰۰ ساله‌ای در بر می‌گیرند که از سال ۳۰ میلادی به عنوان شروع خدمت مسیح آغاز شده و در اواخر قرن ۴ میلادی به پایان می‌رسد. (اسمیت، ۲۰۰۴) در قرن نخست مسیحی و در اولین دهه‌های پس از مسیح نزاع الهیاتی میان مسیحیان در گرفت. اما نزاع خاتمه نیافت و در سده‌های دوم و سوم بیشتر به شکل نزاع‌های فرقه‌ای بروز کرد. در میان طرف‌های درگیر، برخی شخص پولس و نظام الهیاتی او را از اصل و بنیان قبول نداشتند. مثل: فرقه‌های «ایونی‌ها» و «ناصریان» که هم‌چنان به رعایت شریعت موسوی پایبند بودند.

به‌طور کلی، «مسیحیت از بزرگ‌ترین ادیان زنده جهان است که در یک نوع تقسیم‌بندی در شاخه ادیان غربی یا ادیان سامی می‌گنجد. این دین با دو دین هم‌خانواده‌اش (یهودیت و اسلام) به‌واسطه این که اصل خود را به ابراهیم خلیل برمی‌گردانند، ادیان ابراهیمی خوانده می‌شوند. با این که مسیحیت در بسیاری از اصول با دو دین دیگر شباهت دارد، اما اختلافش با آن دو بسیار بیشتر از تفاوت آن دو دین با همدیگر است. مسیحیت دارای اصولی است که با دو دین دیگر به‌طور ریشه‌ای متفاوت است. با این حال در مورد برخی اصول از جمله؛ دو اصل اساسی مبدا و معاد اختلاف اندکی بین سه دین دیده می‌شود و برخلاف اصول دیگر تنها همین دو اصل است که در تاریخ مسیحیت مورد مناقشه فرقه‌ای قرار نگرفته است. نظام عقیدتی این آیین در طی قرن‌های گذشته به شکل کنونی درآمده و در پی همین مناقشات فرقه‌های متعددی با اندیشه‌ها و اعمال متنوع پدید آمده است.» (کاکس، ۱۳۷۸: ۷۸)

مسیحیت در قرآن

عیسای قرآن، انسانی است که از جانب خداوند به او وحی شده است، در بیشتر موارد قرآن، «مسیح» با نام دوم عیسی «ابن مریم» «نصارا» ذکر شده است. قرآن تأکید می‌کند که عیسی به‌صورت معجزه‌آسایی از مادرش مریم متولد شده است و پدر ندارد و در مورد تولد معجزه‌آمیز عیسی می‌فرماید: «إذ قالت الملائكة يا مريم إن الله يبشرك بكلمة منه اسم الله المسيح عيسى ابن مريم وجيهاً في الدنيا والآخرة و من المقربين. و يكلم الناس في المهد و كهلاً و من الصالحين. قالت رب أنى يكون لى ولد و لم يمسنى بشر قال كذلك الله يخلق ما يشاء إذا قضى أمراً فإنما يقول له كن فيكون. و يعلم الكتاب و الحكمة و التوراه و الإنجيل» (آل عمران/ ۴۵-۴۸) چنین بود که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه خویش که نامش عیسی مسیح فرزند مریم است و در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان (الهی) است، بشارت می‌دهد. او در گهواره [به اعجاز] و در میان‌سالی [به وحی] با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است. [مریم] گفت پروردگارا چگونه مرا فرزندی باشد، حال آن که دست هیچ بشری به من نرسیده است؛ گفت خداوند بدین‌سان هر چه را بخواهد می‌آفریند؛ [و] چون اراده او به کاری تعلق گرفت، به آن می‌گوید موجود شو، و بی‌درنگ موجود می‌شود و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد. آیات شریفه‌ای که عقائد باطل مسیحیان درباره مسیح(ع) را بیان می‌کنند و آن‌چه قرآن کریم از مسیحیان در این باره حکایت کرده و یا به آنان نسبت داده، سخنانی است که آیات زیر بیان‌گر آنها است:

۱ - «وقالت النصارى المسيح ابن الله»

که به حکم این آیه مسیحیان گفته‌اند مسیح پسر خدا است و آیه: «و قالوا اتخذ»، عبارت اخرای همان آیه است،

۲ - «لقد كفر الذين قالوا ان الله هو المسيح ابن مريم»

به حکم این آیه مسیحیان رسماً مسیح را خود خدا دانسته‌اند،

۳ - «لقد كفر الذين قالوا ان الله ثالث ثلاثة»

¹ Robinson

² Jesus and Apostolic period

³ Apostolic Fathers period

⁴ Apology

⁵ Smith

در این آیه که بعد از آیه ۷۲ قرار گرفته، خدا را سومین خدا از خدایان سه‌گانه دانسته‌اند، آیه: «ولا تقولوا ثلاثة انتهوا»

هم به همین معنا اشاره دارد. قرآن مجید در عین حال که مسیحیان را موحد به حساب می‌آورد، در عین حال تثلیث مسیحیت رایج را نیز رد می‌کند.

تقابل اصلاح‌گرایانه قرآن با تفکر مسیحیت در آیه ۱۵۷ نساء است که خداوند مسئله عدم صلیب کشیده شدن عیسی(ع) را مطرح می‌کند. «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا»؛ و گفته ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم»، و حال آن‌که آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آن‌که از گمان پیروی می‌کنند، و یقیناً او را نکشتند» خداوند در این آیه مطلق صلیب را نفی نمی‌کند بلکه می‌فرماید او به صلیب کشیده نشد و این امر مشتبه شد. اما چرا خداوند تأکید دارد از عدم صلیب کشیده شدن عیسی(ع) صحبت کند؟ زیرا خداوند می‌خواهد با یک امر الهیاتی و اعتقادی منفی که در مسیحیت رسوخ کرده بود، مقابله کند. یعنی جدای از بحث تاریخت صلیب کشیده شدن عیسی(ع)، مسیحیان موضوع تصلیب را به صورت امری الهیاتی درآوردند و آن را پایه تفکر و اعتقادات خودشان قرار دادند و از این طریق انحراف و بدعت بزرگی در دین مسیحیت به‌وجود آوردند.

در این‌باره قرآن نیز سخن گفته است: (مائده آیات ۴۵ و ۴۴) آن‌چه قرآن در این آیات از تورات نقل می‌کند یک نمونه از مقررات بی‌شماری است که در آن کتاب آسمانی تدوین شده است و حضرت موسی(ع) و پس از او سایر پیغمبران بنی‌اسرائیل، در طول چند قرن، زندگی اجتماعات را با آن اداره نموده‌اند.

بررسی تطبیقی آیات مرتبط با مسیحیت و یهودیت در قرآن

۱- در یک نگاه کلی آیات مربوط به یهود در قرآن را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

الف) عقاید و باورهای یهود که شامل اذیت و آزار مؤمنین در آیه ۱۸۶ سوره آل عمران، عقیده یهود در مورد خودشان در آیه ۱۸ سوره مائده، عقیده یهود درباره خداوند در آیه ۶۴ سوره مائده، طغیان و سرکشی یهود در آیه ۴ و ۵ سوره اسراء، قساوت و سنگدلی در آیه ۷۴ سوره بقره، ایمان نداشتن به نبوت در آیه ۵۵ سوره بقره، کفران نعمت در آیه ۶۱ سوره بقره، کشتار انبیا در آیه ۶ سوره ابراهیم، اذیت و آزار پیشوا و رهبری در آیه ۵ سوره صف، عهد شکنی در آیه ۱۳ سوره مائده، تحریف کلام خداوند در آیه ۱۳ سوره مائده و تفرقه افکنی بین مؤمنین در آیه ۱۰۷ سوره توبه است.

ب) کارشکنی‌ها و فعالیت‌های تخریبی علیه مسلمانان که شامل پناه دادن به عناصر ضد الهی در آیه ۱۰۷ سوره توبه، آواره کردن شهروندان در آیه ۸ سوره منافقون، سیاست محاصره اقتصادی در آیه ۷ سوره منافقون و عدم خرسندی از مسلمانان مگر با پیروی از یهود در آیه ۱۲۰ سوره بقره است.

۲- در یک نگاه کلی آیات مربوط به مسیحیت در قرآن را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

الف) تأیید برخی از مبانی مسیحیان (کتاب انجیل، حضرت عیسی(ع)، حضرت مریم(س) و حواریون) که شامل:

۱- آیات مربوط به تأیید حضرت عیسی(ع) به همراه ویژگی‌های ایشان در آیه ۲۵۳ و ۷۴ سوره بقره، در آیه ۴۹، ۴۸، ۴۸ و ۷۵ سوره آل عمران، در آیه ۸۵ سوره انعام، در آیه ۳۰ و ۶۳ سوره مریم، در آیه‌های ۸-۶ و ۱۴۹ سوره صف است.

۲- آیات مربوط به حضرت مریم(س) در آیه ۳۵، ۳۷، ۴۲، ۴۳، ۴۷ و ۴۵ سوره آل عمران، در آیه ۷۵، ۱۷ تا ۳۳ سوره مریم، آیه ۹۱ سوره انبیا، در آیه ۵۰ سوره مومنون، در آیه ۵۹ سوره زخرف و در آیه ۱۲ سوره تحریم است.

۳- آیات مربوط به کتاب انجیل

در آیه ۹۷ در سوره بقره، در آیه ۳ در سوره آل عمران، در آیه ۴۷ در سوره نساء، در آیه ۱۷ و ۴۸ سوره مائده، در آیه ۹۲ سوره انعام، در آیه ۲۷ سوره یونس، در آیه ۱۱۱ سوره یوسف، در آیه ۳۱ سوره فاطر و در آیه ۱۳۶ سوره نساء است.

۴- آیات مربوط به مؤمنان و حواریون

در آیه ۵۲ سوره آل عمران، در آیه ۱۱۱ سوره مائده، در آیه ۱۴ صف و در آیه ۱۱۲-۱۱۴ سوره مائده است.

ب) دعوت به وحدت مسیحیان و مسلمانان

در آیه ۱۳۵ سوره بقره، در آیه ۸۴، ۲۰ و ۶۴ سوره آل عمران، در آیه ۱۲۳، ۱۶۳ سوره نساء، در آیه ۴۶ سوره عنکبوت، در آیه ۵ سوره مائده، در آیه ۱۳ سوره شوری، در آیه ۶۳ و ۶۴ سوره زخرف و در آیه ۳۱ سوره مدثر، در آیه‌های ۶-۱ سوره بنیه است.

پ) مباحله و دستور به جنگ با مسیحیان

در آیه ۱۷۹ سوره اعراف، در آیه ۶۱ و ۶۱ سوره آل عمران و در آیه ۲۹ سوره توبه است.

ت) بشارت به مسیحیان مومن و تابع حق (هدایت شده)

در آیه ۵۵، ۷۵، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۹۹، ۶۵ و ۶۶ سوره آل عمران، در آیه ۶۲ سوره بقره، در آیه ۶۵، ۸۳ و ۸۵ سوره مائده، در آیه ۱۵۹ سوره نساء، در آیه ۵۲ و ۵۳ سوره قصص، در آیه ۲۹ سوره فتح، در آیه ۱۰۷ سوره اسرا و در آیه ۱۱۱ سوره توبه است.

ث) هشدار و سؤال از مسیحیان

در آیه ۴۷، ۵۲ سوره نساء، در آیه ۹۹، ۹۸ و ۶۷ سوره آل عمران، در آیه ۱۵۲ سوره اعراف، در آیه ۱۱۴، ۱۴۶ و ۲۰ سوره انعام، در آیه ۱۲۰ و ۱۳۵، ۱۴۰ سوره بقره، در آیه ۷۰ و ۷۱ سوره مائده، در آیه ۱۳۱ و ۱۷۲ سوره نساء.

ج) دعوت مسیحیان به تفکر

در آیه ۵۹، ۶۵ سوره آل عمران، در آیه ۱۱۶ و ۱۱۱ سوره بقره، در آیه ۱۷۱ سوره نساء، در آیه ۷۵، ۷۶، ۱۱۶، ۱۱۷ و ۱۸ سوره مائده، در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره آل عمران، در آیه ۳۵ سوره مریم و در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره توبه.

چ) بیان ویژگی‌های مسیحیان کافر و وعده عذاب

در آیه ۱۰۹، ۱۴۵، ۱۰۵، ۱۵۹، ۱۷۵، در سوره بقره، در آیه ۵۴ در سوره نساء، در آیه ۱۴ در سوره شوری، در آیه ۱۶ در سوره حدید، در آیه ۵۸، ۵۹، ۵۷، ۷۲، ۷۳، ۶۰ و ۵۱ سوره مائده.

رابطه یهودیت و مسیحیت

آن گونه که از آیات قرآن کریم بر می‌آید، پیروان ادیان یهود و مسیحیت، همواره با هم اختلاف نظر داشته و در گفت‌وگوهای خود، یکدیگر را نفی کرده و مورد نکوهش قرار می‌داده‌اند. گفت‌وگوهای یهود و مسیحیت، بیشتر بر اساس برتری جویی و طرد و نفی طرف مقابل صورت می‌گرفته است. «و قالت الیهود لیست النصارى علی شیء و قالت النصارى لیست الیهود علی شیء» (بقره: ۱۳۹)

یهودیان گفتند: مسیحیان هیچ پایه و موقعیتی ندارند و مسیحیان نیز گفتند: یهودیان هیچ موقعیتی ندارند. گفت‌وگوهایی که بر مبنای برتری طلبی و به منظور نفی و طرد صورت گیرد، طبیعی است که هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده و شکاف‌ها را عمیق‌تر خواهد ساخت. بدین رو در ادامه همان آیه، اختلاف و نزاع پیروان این دو دین را دائمی دانسته که داوری بین آنان را خداوند در روز قیامت انجام خواهد داد: «فَاللّٰهُ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فِیْمَا کَانُوا فِیْهِ یَخْتَلِفُونَ» خداوند در روز قیامت، در آنچه اختلاف ورزیدند، میان‌شان داوری خواهد کرد. این امر نشان‌گر این واقعیت است که اختلاف یهود و مسیحیت تا قیامت ادامه خواهد یافت و هیچ‌کدام از مواضع‌شان دست نخواهند کشید و در گفت‌وگوها از اصول و معیارهای صحیح سود نبرده و در نتیجه به تفاهم نمی‌رسند. پیروان ادیان یهودیت و مسیحیت، در رویارویی با یکدیگر و گفت‌وگوهای‌شان، همواره در صدد برشمردن افتخارات و امتیازات موهوم و ساخته ذهن خودشان بودند. هر دو گروه خود را به پیامبران الهی و حضرت ابراهیم منتسب کرده و بدین فخر و مباهات می‌کردند. قرآن کریم آنان را در این باره نکوهش نموده و از گفت‌وگوهای بیپوده منع کرده است. «یا اهل الکتاب لم تحاجون فی ابراهیم و ما انزلت التوریه و الانجیل الا من بعده افلاتعقلون» (آل عمران: ۶۵)

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم، گفت‌وگو و نزاع می‌کنید [و هر کدام او را پیرو آیین خود معرفی می‌کنید] درحالی که تورات و انجیل پس از او نازل شده است. آیا اندیشه نمی‌کنید؟ «ها اَنتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجِجْتُمْ فِیْمَا لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّوْنَ فِیْمَا لَیْسَ لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللّٰهُ یَعْلَمُ بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» آل عمران/۶۶ شما کسانی هستید که درباره آن چه نسبت به آن آگاه بودید نزاع و ستیز کردید. چرا درباره آن چه آگاهی ندارید با هم گفت‌وگو می‌کنید؟ و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید. «أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ اِبْرٰهٖمَ وِ اِسْمٰعِیْلَ وِ اِسْحٰقَ وِ یَعْقُوبَ وِ الْاَسْبَاطَ کَانُوا هُودًا اَوْ نَصَارٰی قُلْ ءَاَنتُمْ اَعْلَمُ اَمْ اللّٰهُ» (بقره: ۱۴۰)

آیا می‌گویید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان، یهودی یا نصرانی بودند؟ بگو: آیا شما آگاه ترید یا خدا؟ در ارتباط با گفت‌وگوهای پیروان ادیان یهود و مسیحیت، چند نکته به روشنی در قرآن کریم به چشم می‌خورد: ۱. بیشتر گفت‌وگوهای آنان به صورت رو در رو و مستقیم نبوده، بلکه حالت تبلیغاتی داشته که گفته‌ها و شنیده‌های همدیگر را نفی و بی‌پایه تلقی می‌کردند. ۲. این گفت‌وگوها و ادعاهای بیشتر بدون دلیل و برهان بوده و به منظور پاسخ دادن به طرف دیگر بوده است. ۳. برتری طلبی، افتخار به میراث گذشته، داشتن مال و ثروت، قربت به خداوند و... محورهای اصلی در این گفت‌وگوها می‌باشد که به طور نمونه به چند مورد اشاره می‌گردد:

یک. انحصاری بودن بهشت

یهود و نصارا هر دو مدعی انحصاری بودن بهشت برای خودشان بوده‌اند. «و قالوا لن یدخل الجنة الا من کان هوداً اَوْ نَصَارٰی» بقره/۱۱۱ آنها گفتند: هیچ‌کسی، جز یهود و یا نصارا داخل بهشت نخواهد شد. مفسران ذیل این آیه می‌نویسند: این تعبیر به نحو ایجاز است و تقدیر آن چنین است: یهود گفتند: داخل بهشت نمی‌شود جز یهودی، و نصارا گفتند: داخل بهشت نمی‌شود مگر نصرانی. بدون تردید با توجه به اختلاف عمیق و شدید آنان با یکدیگر، هیچ‌گاه حاضر نبودند تا به نفع طرف مقابل سخن بگویند. در حقیقت، ادعاهای آنها به سود خودشان بوده است.

دو. هدایت ویژه یهود و نصارا

از دیگر ادعاهای آنان این است که خودشان را هدایت یافته، سعادت و هدایت بشریت را در گرو پیروی از آیین خودشان می‌دانستند. «و قالوا کنوناً هوداً اَوْ نَصَارٰی تهتدوا» (بقره: ۱۳۵) گفتند: یهودی یا نصرانی شوید تا به راه راست افتید. این آیه نیز به صورت ایجاز بیان شده است، در واقع ادعاهای جداگانه یهود و مسیحیت درباره آیین خودشان است.

سه. فرزندان و دوستان خدا

پیروان یهود و مسیحیت، به عنوان افتخار و امتیاز، خود را فرزندان و دوستان خدا می‌پنداشتند: «و قالت الیهود و النصارى نحن أبناء الله و أحبّآؤه» (مائده: ۱۸)

یهود و نصارا گفتند: ما فرزندان و دوستان خداییم. علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: «شکی نیست که یهودیت ادعای فرزندی حقیقی برای خداوند نکرده‌اند و به‌طور جدی خود را فرزند خدای تعالی نمی‌دانند؛ آن‌گونه که بیشتر مسیحیان، مسیح را فرزند خدا می‌دانند. پس این‌که در این جمله حکایت کرده که یهود و نصارا ادعا کرده‌اند ما فرزندان خدا و دوستان اویم، منظور فرزندی حقیقی نیست، بلکه منظورشان این است که با نوعی مجازگویی، شرافتی برای خود بتراشند».

اصول مشترک بین مسیحیت و یهودیت در قرآن

هر دو دین اسلام، یهود و مسیحی قائل به خداوند یکتایی هستند. هر دو دین قائل به توبه گناه‌کاران هستند، هر دو دین قائل به توبه گناه‌کاران هستند، هر دو دین اعتقاد به ناجی دارند، هر دو دین قائل به توبه گناه‌کاران هستند، در هر دو دین ازدواج امری مقدس است، در هر دو دین، زنا، سرقت، شهادت دروغ، قتل و... حرام است؛ تکامل مفهوم خدا، تکامل مفهوم معاد و تکامل مفهوم رسالت سه اصل مهم بین مسیحیت و یهودیت در قرآن است:

۱- تکامل مفهوم خدا

از دیدگاه یهود: در تورات، خداوند حقیقتی نوشونده است. فرمانروای فرمانروایان است. مایه قوام و استواری آفرینش است. او خدای جهان مادی است. در تورات کمتر از قیامت سخنی به میان آمده. گویی انسان تنها برای همین زندگی پای به جهان آفرینش گذارده است. چه، این تصور، خداوند را خدای عالم مادی، خدای طلا و نقره، خدای حکمرانی و سخت‌گیری، خدای مدیریت و سیاست، و خدای فرمانروا و اداره‌کننده می‌داند.

از دیدگاه مسیحیت: مفهوم خداوند را، علاوه بر صفات فوق، این‌گونه می‌یابیم: اول و آخر، آگاه و دانا، ظاهر و باطن، پناه‌دهنده و بزرگ، دارای اسماءِ حسنی، والاتر از هر گونه توصیف و نزدیک‌تر از نزدیک؛ هم معنا با آیه: چون بندگان من دربارهٔ من از تو بپرسند، بگو که من نزدیکم. این مفهوم کمالی و غیر سلطه‌مدارانه، مفهومی عاطفی و عقلانی است. در این مفهوم از مدیریت، خلقت، بزرگی و سلطه‌مداری خبری نیست، بلکه قضیه، قضیه تربیت و آرمان‌ها است، قضیه همه عالم است، قضیه اکتساب صفات خداست، چه، عبادت بر صفات الهی فرد می‌افزاید. او داناست، ما نیز داناتر می‌شویم. او مهربان است، ما نیز مهربان‌تر می‌شویم. او قوی است، ما نیز قوی‌تر می‌شویم... یعنی هر اندازه به خدای متعال نزدیک‌تر شویم، صفات بیشتری از او اکتساب می‌کنیم. و کلید این نزدیکی همان قصد قربت است که مسلمان باید در تک‌تک کارها به همراه داشته باشد.

۲- تکامل مفهوم معاد

از دیدگاه یهود: مفهوم معاد نزد یهود مبهم است. در نظرگاه اینان نمی‌توان میان معاد و مکافات دنیا تفاوت گذاشت. چه، در نظر اینان، به کرده‌های انسان در همین زندگی دنیوی ثواب و عقاب داده می‌شود. هرچند در تورات از کیفر و مجازات سخن به میان آمده است، اما تفکیک میان کیفر حکومتی و عقاب دینی امری دشوار است. به هر حال، مفهوم مزبور نشانگر تحول توجّه انسان به کیفر و مکافات است. از دیدگاه مسیحیت: در نظر مسیحیت، معاد مکافاتی است روحانی، و چیزی است شبیه ناراحتی وجدان یا آرامش دل. این تلقی، از تلقی یهود بسی عمیق‌تر و پیشرفته‌تر است.

۳- تکامل مفهوم رسالت:

از دیدگاه یهود: تکیه یهود تنها بر زندگانی این دنیا بوده است و الگو و آرمان او انسانیت است که تنها دل مشغولیش سیر شدن است.

از دیدگاه مسیحیت: پس از آن مسیح می‌آید. او آدمی را اوج می‌دهد و متوجه آسمان‌ها و معنویت می‌کند و می‌فرماید: «جئت لاکمل ناموس لا لانقضه»

تفاوت مسیحیت و یهودیت

«یهودیت دینی توصیه‌ای است و معتقد است که به جز خدای یکتا هیچ خدایی وجود ندارد، همه چیز بنا برخواست او انجام می‌گیرد، با مردم سخن می‌گوید و به نیایش و دعای آنها پاسخ می‌دهد و وجود او برای انسان‌ها پوشیده و درک ناشدنی است». (تیواری، ۱۳۸۱: ۱۲۳) در حالی که مسیحیت آیینی است که پیروانش را به خدای پسر و روح‌القدس هم علاوه بر خدای بزرگ و پدر آسمانی فرا می‌خواند و البته اصرار دارد که خود را موحد بخواند شائبه شرکی که در عقیده تثلیث موجود است را به نحوی توجیه نماید که واقعاً غیرممکن است و مسیحیان را چاره جز این‌که تثلیث را یک راز معرفی نمایند نمانده است. یهودیت حضرت موسی - علیه السلام - را اگر چه وجودی برتر می‌داند، اما هرگز این پیامبر بزرگ را خدا نمی‌داند، بلکه او را عبدی از عباد صالح خدا می‌شمارد که شایستگی نبوت و پیامبری از سوی خدا به بنی‌اسرائیل را یافته است که وحی الهی بر او نازل می‌شود. اما مسیحیت نبوت عیسی را به نحوی انکار می‌کنند چرا که معتقدند که این گفته بی‌معنایی است که کتابی بر آن حضرت نازل شده باشد، «چون کتاب وحی است و در وحی خدا خود را بر انسان کشف می‌کند در مسیح خدا خود را مکتشف ساخته، پس مسیح خودش وحی است». (سلیمانی، ۱۳۸۱: ۵۵)

یهودیت مثل اسلام حاوی شعائر و احکام و حدود شرعی است، احکام ۶۱۳ گانه تورات که اوامر آن ۳۶۵ فرمان و نواهی آن ۲۴۸ فرمان است. مورد عمل و اجرای اکثریت یهودیان جهان است. و علما و فقهای یهود با تمام توان در حفظ و ترویج آن میان قوم خود می‌کوشند. اما در مسیحیت مسئله‌ای به نام حدود

و احکام شرعی را بند اسارت می‌دانند. «پولس» رسول شریعت یهود را یک‌سره محکوم و ملعون می‌داند. وی می‌گوید مسیح ما را از لعنت شریعت خرید به این وسیله که خود برای ما ملعون شد. زیرا در کتاب آمده است که آن که به دار آویخته است ملعون است. عیسی مسیح ما را از لعنت آزاد ساخت. اوست که ظهورش پایان دوران اعتبار شریعت را اعلام می‌کند و همه مؤمنین را فرزندان ابراهیم و شریک در برکت موعود می‌نماید. «یهودیان تابع شریعت همه بنده و برده و در بند شریعت بودند و با ایمان به مسیح از این بند آزاد خواهند شد». (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۳۶۸)

نتیجه‌گیری

از جمع‌بندی اشاره‌ها و تصریحات قرآن می‌توان نتیجه گرفت؛ هرچند قوم یهود، در قرآن با واژه‌ها و عبارات مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است، ولی بررسی این واژه‌ها و عبارات در آیات مختلف، نشان می‌دهد، این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: انکار خدا، تجاوزگری، پوشاندن حقایق، نافرمانی در برابر خدا و پیامبران، گرایش به مادیات، تکبر، پیمان شکنی، عداوت و دشمنی، استهزاء، ضلالت و اضلال، اختلاف، جهالت، ترس، حسادت و نفاق است. و قوم مسیحیت، در قرآن با واژه‌ها و عبارات مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است، ولی بررسی این واژه‌ها و عبارات در آیات مختلف، نشان می‌دهد، این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: مؤلفه‌های معنایی «مسیحیت» در قرآن اعم از مؤلفه‌های انحراف مسیحیت از توحید، کفر مسیحیت، تکذیب اخبار انجیل مبنی بر کشتن حضرت مسیح(ع)، پرداختن به مسئله تثلیث و تصلیب.

با دقت و تعمق در متون مقدس یهودیان و مسیحیان می‌توان به این نتیجه دست یافت که علت این انحراف از توحید حقیقی، تحریفات و تغییرات وارد شده در طول قرن‌ها به این متون است، در حالی که قرآن تنها کتاب آسمانی است که از این مقوله در امان بوده و از خطا و انحراف و تحریف به دور مانده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

^۱ پولوس یا پلس رسول کسی است که در مورد شخصیت وی گفته شده است که او در واقع بنیان‌گذار مسیحیت فعلی است و تعدادی از نامه‌های وی در کتاب اناجیل به‌عنوان کتاب مقدس حائز اهمیت است.

Reference

Holy Quran

- Ashtiani, Jalal-eddin. (1989). A study in the religion of Christ. First edition. Tehran: Tehran Publishing House.
- Arzani, Habib and Omaham, Hamed. (2015). The pattern of intercultural communication between Muslims and Christians in the Holy Quran. *Comparative Theology*. Year 6. Issue 14. 106-89.
- Andisheh, Hashem. (2014). Revelation in Islam, Christianity and Judaism. The first scientific research conference on educational sciences and psychology of social and cultural harms in Iran. Tehran.
- Ayub, Mohammad and Moradi, Majid. (2002). Divine religions from the perspective of the Quran. *Quranic research*. Issue 31 - Special issue of the Quran, religions and cultures.
- Parcham, Azam and Habib-olahi, Mehdi. (2013). The origin of Jewish ethics in the ancient era. Two quarterly scientific-research journals, *Religions Research*. Year 7. Issue 13. 65-89.
- Tiwari, Kadarnath. (1998). *Comparative Theology*, translated by Seyyed Abu Taleb Fanaei and Ebrahimian, Tehran: Mohsen Publications.
- Hekmat, Ali Asghar. (1965). *History of Religions*. Tehran: Ibn Sina.
- Khalifa Muhammad. Hassan Ahmad. (1998). *History of the Jewish Religion*. Cairo: Dar Quba.
- Russell, Bertrand. (1994). *History of Western Philosophy (Book II)*. Translated by Najaf Daryabandari. Tehran: Parvaz.
- Rezapour, Abdol Rahim. (2002). Jews from the Perspective of the Quran. *Roaq Andisheh*. No. 13.
- Zamani Mahboob, Habib. (2006). Jews, Confronting the Great Prophet (PBUH). *Hasoon*. No. 9.
- Suleimani, Abdol Rahim. (2002). The Holy Quran and the Good News of the Prophets. *Haft Asman Quarterly*. No. 16.
- Suleimani, Abdol Rahim. (2008). A Look at the Theology of the Jews in the Holy Quran. *Haft Aseman*. Volume 10. Issue 40. Serial Issue 40. 72-41.
- Shaker, Mohammad Kazem. (2012). A Historical Commentary on the Jews Based on the Holy Quran. *Scientific Research Quarterly, Kitab Qayim*. Year 2. Issue 6. 7-30.
- Ahed Atiq
- Qurashi, Seyyed Ali Akbar. (2008). *Quran Dictionary*. Qom: Daral Kitab Al-Islamiyyah.
- Cox, Harvey. (2009). *Christianity*. Translator: Abdol Rahim Soleimani Ardestani. First Edition. Qom: University of Religions and Sects Publications.
- Gelayeri, Ali. (2005). A Look at the Relationship of Islamic Laws with Other Religions. *Ruqeeq Andisheh*. Issue 40. 81-93.
- Vaez, Batul and Kardel Ilvari, Ruqiya. (2012). Comparative Explanation of the Theoretical, Sharia and Ethical Foundations of Islam, Judaism and Christianity. *Research Journal of Quranic Studies*. Year 3. Issue 9.